

bookroom.ir

bookroom.ir

درمیان سد

bookroom.ir

bookroom.ir



۱

تاریخ‌سنگاهی چشم‌فرهنگی انقلاب اسلامی

رخپوست‌ها رخپوست‌ها رخپوست‌ها

درمیان سرخپوست‌ها

خاطرات سفر دانشجویان عدالت‌خواه به بولیوی

تحقیق و تدوین: احسان دهقانی و امین سردارآبادی

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۹.....	پیشگفتار
۲۳.....	در میان خاطرات
۴۱.....	در میان نگاه‌ها
۶۵.....	در میان سرخ‌پوست‌ها
۱۱۳.....	در میان پرسش‌ها
۱۲۵.....	مؤخره
۱۸۵.....	یادداشت ناشر

مقدمه

جوان و دانشگاه

تاریخ را که ورق می‌زنیم، صفحه به صفحه آن پُر است از شجاعت، رشادت و مردانگی جوانانی که مسیر حرکت تاریخ را عوض کرده‌اند؛ جوانانی که زمانه را به دو نیمه قبل و بعد از حضورشان تقسیم کرده‌اند. جوان و ویژگی‌های ذاتی جوانی‌اش، انسان را به حرکت وامی‌دارد و به پرسش برمی‌انگیزد. جوان پدیده‌ها را می‌نگرد و به چیستی و چرایی‌اش فکر می‌کند. از فکر کردن که کلافه می‌شود، سؤال می‌کند و خودش در مسیر حل مسائل گام برمی‌دارد. تفکر، پرسش، حرکت و تقلد برای حل مشکلات جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، از ویژگی‌های جوان است که البته طبیعی هم هست. جوان فطرتاً نمی‌تواند با همه چیز کنار بیاید؛ مثلاً با بدی‌های دنیا. او هنوز آن قدر گرفتار دنیا نشده و آن قدر طعم ظلم، فقر، فساد، تبعیض، تجاوز و تحقیر را نچشیده است که همه چیز برایش طبیعی جلوه کند یا با آن کنار بیاید یا اینکه بخشی از وضع موجود شود. متناسب با فطرت خدا جویش، بدی، ردیلت، ظلم، سرگستگی و بیچارگی را در عصر معاصر به خوبی حس می‌کند. او هنوز آن قدر فرصت نداشته که در مقابل هر جنایتی دردمند نشود و به روزمرگی تن دهد. جوان آن قدر فرصت نداشته که بی‌حس و شل شود و آخ

۱. «فَأَنصِرْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ خَبِيرًا فَطَرَهُ اللَّهُ الَّذِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰).

نگوید. جوان برای ندیدن‌ها هنوز خیلی «جوان» است!

وقتی کمی دقیق‌تر نگاه می‌کنیم، می‌بینیم همین جوانان زمانی که سرگرم تحصیلات عالی هم باشند، متوجه می‌شوند که پاسخ تمام پدیده‌ها صرفاً از پنجره کتاب‌های نظری و از پشت عینک علوم تجربی و آزمایشگاه دیدنی نیست. باز سؤال‌ها کلافه‌شان می‌کند؛ سؤال‌هایی که نه پاسخ در اعداد و حساب و دیفرانسیل هست، نه در «پِشر»^۱ آزمایشگاه‌های شیمی. آدمی خیلی زود فهمید لاقل برخی از پدیده‌های اجتماعی و انسانی را حتی با خط‌کش کوتاه علوم انسانی که گاهی سانت به سانتش از تئوری‌های مخصوص دربندکشیدن انسان تشکیل شده است، نمی‌توان اندازه‌گیری کرد. علوم نظری و تجربی و استدلالی قرار بود در خدمت مردم باشند، نه ابزاری برای استثمار و استثمار آنها.

با این مقدمه کوتاه، اگر به شما بگویم که با تقریب مناسبی، عمر جریان‌های دانشجویی در ایران به بلندای زمان حضور دانشگاه در ایران است، تعجب می‌کنید؟! بله، درست شنیدید. طولی نمی‌کشد که دانشجویان جوان آزادی خواه متوجه شوند کلاس‌های درس دانشگاه، به همه سؤالاتشان پاسخ نمی‌دهد.

از خیر جهان و جریان‌های دانشجویی آن بگذریم. در همین تاریخ معاصر ایران خودمان تقریباً هیچ حرکت اجتماعی و سیاسی‌ای نمی‌بینید که یک طرفش به حضور دانشجویان برنگردد. اگر تقویم روی میزمان را خوب نگاه کنیم، شانزدهم آذر هر سال مثل لکه خونی دیده می‌شود. اصلاً تازه حال توجه کرده‌ایم چرا می‌گوییم مرگ بر آمریکا؟ مطابق اسناد، مرگ بر آمریکا مولود ۱۶ آذر ۱۳۳۲ است و اولین بار از زبان آن دانشجویان شهید برآمده است. البته باید بدانیم از کدام جریان دانشجویی سخن می‌گوییم. در طول تاریخ، نمونه‌های تقلبی به هر پدیده با کیفیتی هجوم برده‌اند! مثلاً فرض کنید دمپایی بسیار مرغوبی تولید و روانه بازار شده است. در چشم برهم‌زدنی نسخه‌های تقلبی و بی‌کیفیت چینی آن را هم می‌توانید در بازار پیدا کنید.

۱. از ظرف‌های پُرکاربرد آزمایشگاهی.